یادبود

بعد از عباس کیارستمی

۲ هنرمند دیگر درگذشتند

● **شرق:** در شرایطی که سینمای ایران داغدار سوگ کیارستمی بود، دو هنرمند دیگر سینما، طی روزهای گذشته به دیار باقی شتافتند. هنرمندان سینمای ایران، بهمن زرین‌پور و ملیحه نیکجومند که با نام شیده رحمانی شناخته می‌شد، هر دو، روز پنجشنبه ۱۷ تیر درگذشتند. ملیحه نیکجومندزاده متولد سال ۱۳۱۲ در اصفهان، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون و مادر سوگند رحمانی بازیگر سینماست. وی از اواسط دهه ۳۰ فعالیت هنری خود را با نام هنری شیده آغاز کرد و در کارنامه خود سابقه همکاری با کارگردانانی همچون یدالله صمدی، علی ژکان، داریوش فرهنگ، جمال شورجه، سیروس الوند، اسماعیل خلج، بیژن بیرنگ، محمدرضا هنرمند و همچنین بازی در مجموعه‌های تلویزیونی‌ای همچون «سایه همسایه»، «سربداران»، «بوعلی‌سینا»، «آشپزباشی» و فیلم‌های سینمایی «طلسم»، «مردی که زیاد می‌دانست» و... را داشت. او چند روز پیش از مرگش بر اثر زمین‌خوردن دچار ضربه مغزی و در بخش آی‌سی‌یو بستری شده و حافظه خود را هم از دست داده بود. بهمن زرین‌پور نیز بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما متولد ۱۳۲۰ کرمانشاه بود. بهمن زرین‌پور فعالیت هنری خود را با دستیاری در فیلم «سه‌تار خانه» به کارگردانی زنده‌یاد علی حاتمی آغاز کرد. از جمله فیلم‌هایی که وی بازی کرده است می‌توان به «حکایت عاشقی»، «دختری با کفش‌های کتانی» و «عطر گل یاس» اشاره کرد. او همسر مینا جعفرزاده، بازیگر سینما و تلویزیون بود. زرین‌پور این اواخر در پروژه سینمایی «خانم‌سادات» بازی داشت. این فیلم سینمایی روایتی از زندگی قاری درگذشته فاجعه تلخ منا، حسنی کارگر است. گفتنی است مراسم تشییع و تدفین بهمن زرین‌پور روز گذشته در بهشت سکینه کرج برگزار شد. در مراسم تشییع و تدفین مرحوم بهمن زرین‌پور هنرمندانی چون پرویز پرستویی، جعفری‌جوزانی، همایون اسعدیان، یدالله صمدی، رخشان بنی‌اعتماد، آتیلا پسیانی، مریلا زارعی، جهانگیر کوثری و علاقه‌مندان و هنرمندان بومی چون کوروش خزاعی و علی شهبازی حضور داشتند.

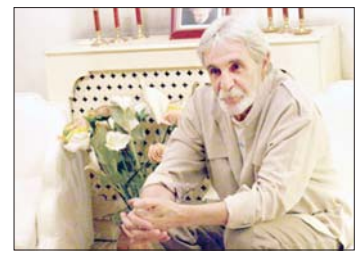

مریلا زارعی

جای خالی استاد

چقدر تلخ و ناگوار است شنیدن خبر ازدست‌دادن مردی بزرگ از دنیای سینما. گویی زمان ایستاده و همه منجمد شده‌ایم. گفته‌ها حکایت از سهل‌انگاری دارد. الهی که این‌گونه نباشد که اگر هم باشد، این سهل‌انگاری بخشی از تقدیر استاد بود.

متأسف می‌شدم وقتی نقل‌قول‌ها از روند درمان ایشان را می‌شنیدم. چه باید گفت؟

دیگر این افشاگری‌ها چه فایده‌ای دارد؛ جز تازه‌کردن داغ فوج عظیمی از علاقه‌مندان و ارادتمندان آقای کیارستمی. داغمان تازه می‌شود. پیشنهاد می‌کنم که دیگر به جای کنکاش در جزئیات عملکرد تیم درمانی همه مسببان احتمالی را به خدا بسپاریم؛ چراکه تاریخ ثابت کرده این شکوائیه‌ها راه به جایی نخواهد برد.

مدت‌هاست مسئولیت‌پذیری مفهوم خود را از دست داده. هرکسی کلاه خود را گرفته و در جهت خلاف باد به سرعت در پی کسب متاع دنیوی می‌دود.

بیایید برای آرامش روح ایشان دعا کنیم و برای علاقه‌مندان و وابستگان و خانواده محترم‌شان طلب صبر؛ که دیگر چاره‌ای جز این نیست. بدانیم که اگر کارگردان محبوب‌مان را پدر جراحی می‌کرد یا پسر، تأثیری در تقدیر محتومش نداشت.

خواست پروردگار بر ماندنش نبود. بیایید نبودنش را در خودمان جست‌وجو کنیم.

حتما ما لایق داشتنش نبودیم. حتما ما در قدرشناسی از او آن‌قدر کوتاهی کرده‌ایم که پروردگار هم تشخیص داد یک گوهر دیگر را از میان ما ببرد، بدون جایگزین. چه عذابی بالاتر از این برای یک نسل. جای خالی‌اش تلنگری است برای حفظ باقی سرمایه‌های این مرزوبوم. غرض از نوشتن این یادداشت فقط ادای احترامی بود در سوگ کارگردانی که یک بار به واسطه فیلم «شیرین» در مقابل دوربینش نشستم. قرار بود همه گریه کنیم. معنی این اشک‌ها را درک نکردم؛ اما امروز فهمیدم. آن اشک‌ها گویی اشک حسرت بود در فراغ مردی که قدرش را ندانستیم؛ به‌هرحال در این شماره مصاحبه‌ای از من چاپ شده که تاریخ تنظیم آن به روزهای قبل از این مصیبت برمی‌گردد؛ به‌همین‌دلیل بر خود واجب می‌دانم در همین شماره و از این طریق این ضایعه غم‌انگیز را به همه مردم تسلیت بگویم. بقای عمر دیگرانی باشد که امروز هستند و شاید فردا نباشند.

رضا درمیشیان

پروازش را باور ندارم

در هر گوشه‌ای از جشنواره «کارلووی واری» اشک‌هایی را می‌بینی که سرازیر می‌شوند؛ آدم‌های مختلف از نژادها و ملیت‌های گوناگون، اما تنها برای یک نام و یک یاد: عباس کیارستمی. از مدیر فستیوال کارلووی واری تقاضا کردیم یادبودی برپا کنیم؛ با اشتیاق پذیرفتند و ادای احترام به کیارستمی را افتخار کارلووی واری دانستند. قرار است برای بزرگداشت کیارستمی مراسمی برگزار و شمعی روشن کنیم. ازآنجاکه آقای کیارستمی چند سال پیش ریاست هیأت داوران جشنواره کارلووی واری را عهده‌دار بوده‌اند، مدیر فستیوال گروهی را مأمور کرده‌اند تا تصاویر آرشیوی ایشان را برای پخش در مراسم اختتامیه آماده کنند. اما چه سود، هرچه با خود کلنجار می‌روم «سفر» و «پرواز» ایشان برایم باورپذیر نیست. اتفاقات درمان آقای کیارستمی نه در شأن جامعه پزشکی است، نه در شأن استاد و نه در شأن انسانیت. به‌عنوان فرزند یک جراح که دیده بودم پدرم چگونه از جان خویش برای بیمارانش می‌گذشت و همواره برای درمان دردها در مناطق محروم تلاش می‌کرد و ازآنجاکه خود را عضو خانواده جامعه پزشکی می‌دانم، تقاضای شفاف‌سازی اتفاقات درمان ایشان را دارم. بسیار متأسفم. هرچند این تأسف‌ها برای ما عادی شده، تأسف برای روزهایی که فیلم‌های کیارستمی از نمایش در سینماهای کشورش بازماند، تأسف برای برخوردها و توهین‌هایی که به ایشان شد، تأسف برای قدرهایی که در وطنش باید می‌دید و ندید، تأسف برای کسانی که هنرمندان را تنها برای کفن‌ودفن می‌خواهند و در خاک‌سپاری پیش‌قدم‌اند؛ اما در دوران حیات سینماگران، میزشان را بر هر هنری ترجیح می‌دهند، تأسف برای همه آنها که سوگواری‌شان بیشتر رنگ‌وبوی خودنمایی می‌دهد، تأسف برای آنها که همه‌چیز و همه‌کس را به نفع خود مصادره می‌کنند، تأسف برای همه آنها که هنوز باور ندارند نزدیک به دو دهه کیارستمی در ایران فیلم نساخت، تأسف برای همه آنها که نمی‌دانند هنوز هیچ فیلمی از کیارستمی در شبکه رسمی نمایش خانگی کشور مجاز نیست و آثار کیارستمی تنها در شبکه غیررسمی کشور سینه‌به‌سینه حفظ می‌شود، تأسف برای کسانی که با برچسب سینمای جشنواره‌ای و بی‌مخاطب، سینمای کیارستمی و «هنر» را به حاشیه راندند و تلاش کردند ذائقه تماشاگران را در دایره ذهنی خود تعریف کنند.

چراغ سینماها را برای کسی که چراغ سینمای ایران را در جهان روشن کرد، خاموش نکنید. خاموشی پخش سینماها کمال بی‌احترامی است. هشتم جولای، فستیوال «کارلووی واری»

واکنش‌های هنری به سفر کیارستمی

کیارستمی اگرچه با عکس‌هایش با دنیای تجسمی پیوند خورده بود؛ اما رابطه او با این رشته نه‌تنها از دوران دانشکده هنرهای زیبا که رشته نقاشی می‌خواند، گره خورده بود؛ بلکه با دو نقاش شناخته‌شده ایرانی مانند آیدین آغداشلو و علی‌اکبر صادقی در یک مدرسه تحصیل می‌کرد که بعدها دوستان یکدیگر شدند. همه اینها باعث شده است واکنش جامعه هنرمندان تجسمی به خبر درگذشت کیارستمی در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته شود.

آیدین آغداشلو که این روزها در کانادا به‌سر می‌برد و در مدرسه جم قلهک و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران با کیارستمی بوده است، پس از خبر درگذشت دوست خود، در صفحه شخصی اینستاگرام خود پستی منتشر کرد. این جمله با خط سفید در پس‌زمینه مشکی آن نوشته شده بود: «تنهایم گذاشت». آغداشلو در این پست اینستاگرامی ادامه داده بود: «عباس کیارستمی ۱۳۹۵- ۱۳۱۹».

علی‌اکبر صادقی، نقاش و انیماتور که از دوران مدرسه جم کیارستمی را می‌شناخت و در این سال‌ها به یکی از دوستان خانوادگی این هنرمند تبدیل شده بود، در صفحه اینستاگرامش عکس کیارستمی را با این مضمون که «عباس از بین ما رفت» منتشر کرد. او در پست دیگری در اینستاگرام، عکسی از خودش در دوران دانشجویی در دانشکده هنرهای زیبا در دهه ۴۰ شمسی گذاشت و عنوان کرد: «عکس از دوست همیشگی عباس کیارستمی». غلامحسین نامی، نقاش، هم در صفحه فیس‌بوک خود عکسی از کیارستمی را انتشار داد و نوشت: «چرا..... ....؟؟؟؟؟؟».

مجید ملانوروزی، مدیرکل هنرهای تجسمی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران، نیز در پیامی درگذشت این عکاس و کارگردان سینما را تسلیت گفت: «این تلخ‌ترین سفر کیارستمی است. هر بار سفری می‌رفت، در انتظار افتخار دیگری برای سینما و هنر ایران بودیم و حالا با آخرین سفرش طعم تمام افتخاراتی را که با عکس‌ها، فیلم‌ها و جوایزش برای هنر و ما ارمغان آورد، به یاد می‌آوریم. به عکس‌هایش از مناظر برفی، درختان ایستاده در برف، درها، دیوارها، جهان و هستی نگاه می‌کنیم و می‌اندیشیم. آثار کیارستمی پیوند اندیشه، فلسفه، ادبیات و جهان هستی در تصویر و قاب‌های ساده زندگی است؛ تصاویری که همواره خواهد ماند؛ مانند نام و یاد کیارستمی. فقدان کیارستمی را به هنرمندان و مردم عزیز تسلیت می‌گویم. روحش شاد، یادش گرامی باد».

انجمن هنرمندان نقاش ایران در کانال تلگرامی خود چنین نوشت: «خبر تأثربرانگیز درگذشت عباس کیارستمی، کارگردان فیلم‌های مهمی مانند خانه دوست کجاست، مسافر، مشق شب، طعم گیلاس، زندگی و دیگر هیچ و... بسیار شوک‌برانگیز و غمناک است. هیأت‌مدیره انجمن هنرمندان نقاش ایران فقدان اندوه‌بار این سینماگر، نقاش و عکاس ایرانی و هنرمند تأثیرگذار را به جامعه هنری، به‌ویژه جامعه نقاشان کشور تسلیت می‌گوید و برای آن مرحوم علو درجات و مغفرت الهی آرزومند است».

انجمن عکاسان ایران درباره درگذشت کیارستمی در پیامی چنین عنوان کرد: «آفریننده‌ای که سفری ابدی را در جهان تصویر با «مسافر» آغاز کرده بود، با گذر از «نان و کوچه» و سپری‌کردن تاریکی در «مشق شب» با درخشش نور به «زندگی و دیگر هیچ» گام گذاشت و با «طعم گیلاس» و تأملی در پرسشی ازلی درباره «خانه دوست»، به همراه باد به سوی او پرکشید. با حضور آثار عباس کیارستمی در جهان بصری معاصر ایران، شاهد نقطه‌عطفی در جهان هنر، نمایش و تصویر هستیم، عکس‌ها و سینمای او پنجره‌هایی به سوی درون و بیرون گشودند و موجب شدند تا جهان هنر معاصر از دریچه گشوده آثار او با دنیا و بیان ویژگی‌های منحصربه‌فرد هنر و فرهنگ معاصر ایران آشنا شوند. فقدان نابهنگام عباس کیارستمی در عرصه فرهنگ و هنر ایران، موجب ایجاد شکافی عمیق و جبران‌ناپذیر شده است. انجمن عکاسان ایران درگذشت این عکاس و هنرمند فرهیخته را به جامعه هنری ایران تسلیت می‌گوید».

انجمن صنفی طراحان گرافیک هم در سایت خود خبر درگذشت کیارستمی را چنین منتشر کرد: «عباس کیارستمی سینماگر، عکاس، نقاش و طراح گرافیک و عضو افتخاری انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، روز دوشنبه، ۱۴ تیرماه، در سن ۷۶ سالگی در پاریس درگذشت. انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران این فقدان و اندوه بزرگ را به خانواده محترم ایشان، جامعه هنری و مردم بزرگ ایران تسلیت می‌گوید».

این انجمن در ادامه مطلب ضمن انتشار عکسی از کیارستمی که مریم زندی آن را عکاسی کرده است، تعدادی از فعالیت‌های کیارستمی در زمینه گرافیک را مانند طراحی پوستر فیلم قیصر به کارگردانی مسعود کیمیایی در سال ۱۳۴۸، طراحی پوستر فیلم لباسی برای عروسی به کارگردانی خود او در سال ۱۳۵۵، طراحی پوستر روز جهانی پیکار با بی‌سوادی در دهه ۴۰ و طراحی پوستر نمایش شیر بزرگ مسکو در سال ۱۳۴۸ را که در موزه گرافیک نگهداری می‌شوند، منتشر کرده است.

در کنار اینها باید به طراحانی اشاره کرد که در چند روز گذشته با انتشار پوستر و کارت‌های یادبودی که به مناسبت درگذشت این هنرمند طراحی کرده بودند، تأثر خود را نسبت به این خبر نشان دادند؛ مانند بهزاد شیشه‌گران، هادی حیدری، حسن کریم‌زاده و... .

همچنین به گزارش ایلنا، بیش از صد نفر از شاگردان عباس کیارستمی دل‌نوشته‌ای مشترک را در سوگ این فیلم‌ساز منتشر کردند: «سپاسگزاریم از انسان بزرگی که زندگی‌اش را صرف خلق آثار هنری بی‌نظیر با مفاهیم عمیق انسانی کرد. آنچه ما از این مرد بزرگ آموختیم، جهان‌بینی، عشق به هستی و انسانیت بود. سینما وسیله‌ای شد که با آن پاسخ سؤال‌هایمان را جست‌وجو کنیم؛ اما نمی‌دانیم پاسخ سؤال رفتن او را چگونه جست‌وجو کنیم! او با رفتنش قسمتی از قلب و روح ما را با خود برد و ما پدر معنوی سینمای ایران را به‌راحتی از دست دادیم».

یادداشت

محمدرضا هنرمند:

من اهل کیارستمی هستم!

سال ۱۳۷۵ بود که برای پیداکردن لوکیشن‌های فیلمی که قرار بود در خارج از ایران ساخته شود، به اتفاق مرحوم مهرداد فخیمی به یونان و شهر آتن سفر کردیم. من از همان روزهای اول کفش راحتی خریدم و بنا را بر پرسه‌زنی در شهر آتن گذاشتم. در یکی از روزهایی که کوچه‌پس‌کوچه‌ها را می‌گشتم، در محله‌ای دورافتاده و فقیرنشین در شهر آتن گم شدم و دیگر قادر نبودم مسیر درست را پیدا کنم. پیرمردی سفیدمو و ریزجثه را دیدم که کنار خانه‌اش نشسته بود. نگاهمان که به‌هم افتاد، فهمید غریبه‌ام و راهم را گم کرده‌ام. لبخندی زد و به زبان یونانی حالم را پرسید. مطمئن بودم که انگلیسی نمی‌داند بااین‌حال از او مسیری که می‌خواستم را پرسیدم. پیرمرد از روی صندلی پلاستیکی‌اش برخاست و با تمام وجودش به من حالی کرد که باید مسیر آمده را برگردم و چندین‌بار به چپ و راست بپیچم تا به خیابان اصلی برسم. از او تشکر کردم ولی او با همان زبان اشاره و لال‌بازی می‌خواست بداند که من کجایی هستم. گفتم ایران... پرسیا! پیرمرد با لهجه غلیظ آتنی گفت آآباس کیارستمی! ... . من که شوکه شده بودم بعد از مکث کوتاهی گفتم یس‌یس عباس کیارستمی! من اهل کیارستمی هستم! پیرمرد سر و دستی تکان داد و روی صندلی‌اش نشست. او نمی‌دانست که من هم فیلم‌سازم و نمی‌دانست که با نام‌بردن از کیارستمی چه حس غریبی را در من برانگیخته است. مسیری که نشان داده بود را پیش گرفتم و رفتم. وقتی به چپ و راست‌هایی که پیرمرد گفته بود می‌پیچیدم از خودم می‌پرسیدم چگونه ممکن است کسی با هنرش به چنین جایگاه جهانی و درعین‌حال مردمی‌ای برسد که نامش از کشورش پیشی گرفته باشد؟ باید فیلم‌ساز باشی تا حس ناشناخته آن روز مرا به‌درستی درک کنی و شاید جوابی برای سؤالم پیدا کنی. روحش تا ابد شاد.

ادامه از صفحه ۱۴

برای سینماگر «گفت‌وگو» و «کشف نشانه‌ها»

سینماگر «گفت‌وگو» از گفت‌وگوهای اندیشه‌ای با «متون کهن» و «میراث فرهنگ ایران»، در کنار گفت‌وگو با «جهان جدید» و دنیای جشنواره‌ها و داوری‌ها و نظورزی‌هایش به خوبی بهره برده است، چنانکه «دیالوگ» را به منزله «تکنیک» نیز جان‌مایه آثار ماندگارش کرده است. اینکه کیارستمی توانست در منظومه همخوان همه آثارش، برای مسائل مزمن، قدیمی و پیچیده دنیای ما صورت‌بندی‌های ساده و جدید و واقعی بسازد، هنری ارتباطی است. اگر او را از این زاویه «سینماگر مؤلف» یا «سینماگر ژورنالیست» بنامیم به خطا نرفته‌ایم، چون نویسندگی یا روزنامه‌نگاری چه با قلم باشد و چه با دوربین، ساده اندیشی و سطحی‌نگری نیست؛ دیدن و دیدنی‌کردن ساده همه آن چیزهایی است که به سادگی به چشم نمی‌آیند و چشم‌ها را به خود نمی‌خوانند. اگر در گوشه دیگر جهان گابریل گارسیا مارکز توانست میان «رمان» و «روزنامه» پل بزند، چرا در این گوشه جهان کیارستمی نتواند راه میان «سینما» و «رسانه» را نزدیک کند، سینمای کیارستمی، سینمایی است از جنس «فرهنگ، زبان و رسانه» با طعم «گفت‌وگو».

جدول ۲۵۸۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- تابلویی زیبا اثر هنرمندانه استاد محمود فرشچیان- ترش و شیرین ۲- بی‌خبر و ناآگاه- ساختمان کروی شکل در هسته سلول- تکلیف ۳- بی‌نظیر در نوع خود- جوانمردی- غیرزمینی ۴- چراغ پیه‌سوز قدیمی- خاک- روز بعد ۵- بدبخت- همسر حضرت ابراهیم (ع)- روییدن ۶- استاندار قدیم- اشتباه لفظی یا رفتاری- سیر و سیاحت ۷- خطاب محترمانه برای بانوان- فدراسیون جهانی کشتی- شهری در استان اصفهان ۸- محصول آب و صابون- پندار- هیجان‌انگیز- صدای پاره‌شدن کاغذ ۹- شهری در استان اصفهان- پرهیزکاری- آماده و فراهم ۱۰- وسیله حمل بار که به پشت خودرو بسته می‌شود- دیکته- سواری بر پشت ۱۱- آشیانه- نادرست و واهی- به تنهایی ۱۲- در توضیح کلام به کار می‌رود- نفی‌کننده- نمایش با ساز و آواز ۱۳- ساکنان بهشت- قاطر- صدای گوسفند ۱۴- شبیه و نظیر- حمام لاغری- اصطبل ۱۵- تکرار حرف بیست‌وششم- نویسنده سرشناس ادبیات روسیه در قرن ۱۹ و خالق رمان مرداب آرام.

عمودی:

۱- لقب خواجه‌سرایان- فقیه و محدث شیعی ایرانی و صاحب کتاب اصول کافی- گل بتونه ۲- سوغات شهر مراغه- جنگ و جدال- رشته‌ای که عرب‌ها به دور سر می‌بندند ۳- طاقچه قدیمی- گاز لامپ‌های تبلیغاتی- نویسنده آمریکایی رمان سپیددندان ۴- انس- آخرین حرف الفبای یونانی- خبرگزاری دانشجویان ۵- نامه‌نگاری- منت‌گذارنده- دستی ۶- به یکباره- به‌جاآوردن- گوارا ۷- پوشیده و پنهان- سردار- خبرگزاری ایتالیا ۸- خدای دروغین- فیلسوف انگلیسی قرن بیستم- دریغ و اندوه- درخت زبان گنجشک ۹- شهری در آذربایجان غربی- یار عذرا- در امانت روا نیست ۱۰- ضعف و سستی- ورزش یخ و چمن- سنگ چاقوتیزکنی ۱۱- کتف، شانه- واحد اندازه‌گیری حجم- درگذشت ۱۲- پاکیزگی- مختصر و کوتاه- مرکز جمهوری چک ۱۳- صمیمیت و صداقت- نوعی اجاق برقی- انبار کشتی ۱۴- سودمند- هوای گرم مرطوب- گاوچران آمریکایی ۱۵- چله کمان- از افعال ماضی- رسوم و باورهای پذیرفته‌شده جامعه.

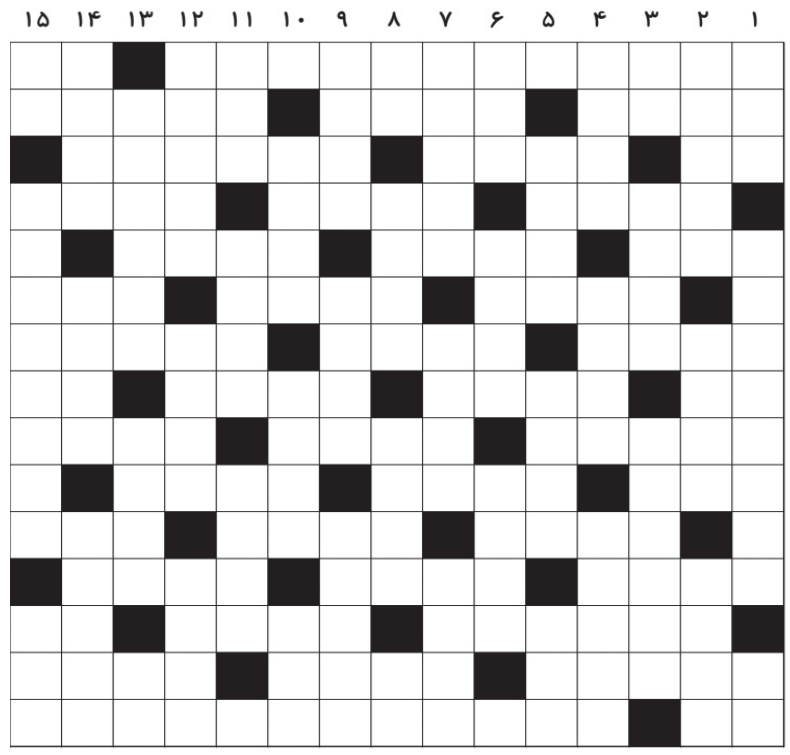

حل سودوکو سخت

۵	۸	۳	۴	۹	۱	۷	۲	۶
۴	۹	۶	۷	۸	۲	۵	۱	۳
۸	۲	۱	۳	۵	۶	۹	۸	۴
۱	۳	۹	۲	۷	۴	۸	۶	۵
۶	۴	۷	۸	۳	۵	۲	۹	۱
۸	۵	۲	۶	۱	۹	۳	۴	۷
۲	۱	۵	۹	۶	۳	۴	۷	۸
۹	۶	۸	۵	۴	۷	۱	۳	۲
۳	۷	۴	۱	۲	۸	۶	۵	۹

حل سودوکو ۱۵۸۱

۲	۸	۳	۵	۴	۶	۷	۱	۹
۱	۴	۷	۳	۹	۸	۲	۵	۶
۵	۶	۹	۲	۷	۱	۸	۳	۴
۴	۹	۵	۶	۲	۷	۱	۸	۳
۸	۳	۲	۱	۵	۴	۶	۹	۷
۶	۷	۱	۸	۳	۹	۴	۲	۵
۹	۵	۴	۷	۱	۲	۳	۶	۸
۷	۲	۶	۹	۸	۳	۵	۴	۱
۳	۱	۸	۴	۶	۵	۹	۷	۲

جدول ۲۵۸۴

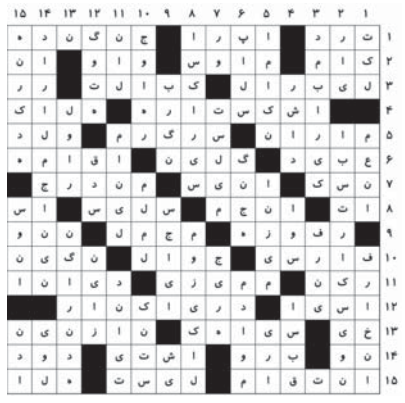

سودوکو سخت ۱۵۸۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۷		۳			۶	۲		
۲	۶	۸				۱		
	۴		۸		۷			
۸					۹		۱	
	۱	۹	۳		۵			
	۷					۵	۹	
۹				۶				۵
	۳		۵		۲			
		۱		۳	۴			

سودوکو ۱۵۸۲

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۹	۵	۳	۴		۲	۸
۶	۵		۷		۸			۱
				۱		۹	۵	
	۲			۶		۸		۳
۷			۴					۹
۹				۵		۴	۶	
	۹					۱	۸	۶
۳		۸		۷				۵
		۱	۹		۲		۳	